زخمه

جای خالی طراز اول‌های موسیقی

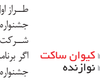

کیوان ساکت
نوازنده

طراز اول‌های موسیقی در جشنواره موسیقی فجر امسال شرکت نکرده‌اند. درحالی‌که اگر برنامه‌ریزی درستی برای جشنواره موسیقی فجر صورت گیرد این جشنواره قابلیت دارد منشأ اتفاق‌های موسیقی‌ای خیلی مهمی در کشور شود و این میسر نمی‌شود مگر با دعوت از هنرمندان طراز اول ایران و جهان و باز هم این کار میسر نخواهد بود مگر با اختصاص دادن هزینه و بودجه کافی به جشنواره که بتواند هنرمندان خوب را از همه دنیا دعوت کند چون خودبه‌خود حضور افراد مشهور و برشناس به اعتبار جشنواره می‌افزاید. به نظر من شاید یکی از نکات مثبت جشنواره امسال دبیری جناب دکتر «ریاحی» چهره خوشنام و سرشناس موسیقی است که آن تعدادی هم که شرکت کرده‌اند به دلیل وجود ایشان بوده است، زیرا جای او این: گمان من این است که برخی مایلند کم‌کم شیله جشنواره را پایین بکشند و تاثیر آن را بر سال کم‌رنگ‌تر کنند تا اینکه جشنواره به شکل کوچکی دربیاید یا محو شود. البته من دلیل این نوع نگاه آنها را به موسیقی نمی‌فهمم. وقتی به پیشینه موسیقی در کشورمان نگاه کنیم، می‌بینیم سرودهایی که در اول انقلاب ساخته شد، تاثیر زیادی روی مردم گذاشت و مردم را برای شرکت در نظاهرات علاقه‌مند کرد. توسط هنرمندانی تولید می‌شد که در کانون «جلوش» گرد آمده بودند (که امروز مکتب خانه میرزاعبدالله شد) و سرودهای زیادی ساختند که وقادری خود به امام خمینی و انقلاب را در آنها بارها تکرار کردند و حتی در پاره‌ای از آنها با لقب (خورشید تابان) از امام خمینی یاد کردند و اینها با همین سازهایی ساخته شد که الان هم استفاده می‌شود برای هامین تعجب می‌کنم چرا در جشنواره فجر با موسیقی این گونه برخورد می‌شود و بودجه آن را که نسبت به سال پیشین کمتر می‌شود به اعتقاد من بی‌توجهی و کم‌کردن تاثیر جشنواره موسیقی فجر برای این است که می‌خواهند جشنواره را کمرنگ و کم‌کم از آن برنامه‌های دهه فجر حذف کنند. اگر به جشنواره‌های موسیقی که تاکنون برگزار شده است، نگاهی بیندازیم، می‌بینیم در برخی از دوره‌ها هنرمندان خوبی دعوت شده بودند که باعث می‌شد سال‌ها پر شوند. با این‌همه وقتی بودجه کم باشد طبیعتا نمی‌توان از هنرمندان طراز اول دعوت کرد تا در جشنواره شرکت

کنند و به همین دلیل جشنواره اعتبار همیشگی خود را از دست خواهد داد. اگر می‌خواهیم یک جشنواره ساده را به یک اتفاق خوبی تبدیل کنیم، شرکت سرشناس‌ترین هنرمندان ایران و جهان در آن رویداد است که باعث می‌شود سال‌ها پر شود و یک تاثیر فرهنگی درخشانی ایجاد کند اما باز هم تاکید می‌کنم اینها میسر نمی‌شود مگر داشتن بودجه و اعتبار بخش زیادی از شرکت نکردن افراد سرشناس در جشنواره نیز به خاطر فشارهای اقتصادی و همیشگی که در این چند سال اخیر به مردم وارد شده است و وظیفه هنرمند نیز بیان شادی‌ها و غم‌ها و زندگی مردم است. این فشارها در وهله اول بیشترین ضربه را متحمل فرهنگ و هنر کرد چون اولین کالاهایی که از سبد خانواده حذف می‌شود، کالای فرهنگی و هنری هستند مثل نرفتن به کنسرت‌ها، تحریض آلبوم‌های موسیقی یا ثبت‌نام نکردن در کلاس‌های موسیقی. بنابراین وقتی مردم دچار فشار اقتصادی هستند کمتر به هنر می‌پردازند. هنرمندان هم خود را جدا از مردم نمی‌دانند و انگیزه‌ای برای شرکت در جشنواره نمی‌بینند که همین موضوع از کیفیت جشنواره به حد زیادی می‌کاهد. مسأله دیگر در جشنواره‌ها حضور خارجی‌ها است. در هر جشنواره‌ای خارجی‌ها در هر جشنواره‌ای حضور دارند و رقابتی با جنبی شرکت می‌کنند و امکاناتی از قبیل جایزه نقدی و حمایت در برگزاری کنسرت را به آنها نقل می‌کیرد اما همان‌طور که گفتم حضور چهره‌های سرشناس است که به یک جشنواره اعتبار می‌دهد و الان چند سالی است که این مساله در جشنواره کمرنگ شده که مهم‌ترین دلیل آن کمبود بودجه و بسیاری مسایل دیگر است.

ادامه از صفحه ۷

نگذاریم تئاتر شهر ناهنجار شود

چرا طرح شما نهایتا با وقفه طولانی در اوایل دهه ۸۰ شمسی به اجرا درآمد؟

آن موقع آن طرح را اجرا نکردند بعد رفتند چندین طرح کشیدند و خواستند از مهندسین مشاور دیگر چندین طرح بدهند، موردبنده واقع نشد. آخرین نفر، کسی بود که در دفتر من کار می‌کرد؛ مهندسی به نام عبدالرضا زکایی. ولی باز گفتند طرح سردارافخمی از همه بهتر است و آن را اجرا می‌کنیم. آقای زکایی گفت حالا که من برنده شدم‌ام و در دفتر آقای سردارافخمی هم بوده‌ام اجرای این طرح را به من بسپارید. نهایتا مدیریت و اجرای پروژه زیرنظر آقای زکایی صورت گرفت.

در سال‌های بعد از انقلاب چه پروژه‌هایی اجرا کردید؟

بیشتر پروژه‌های خصوصی برای خودم و دوستانم اجرا کردم.

پروژه‌های دولتی انجام ندادید؟

نه!

استاد خاصی دارید که از او یاد کنید؟

استاد فرانسوی دارم؛ به این دلیل که در ایران تحصیل نکردم، در فرانسه تحصیل کردم‌ام. من دوتا auto-relax بودم. به کارهای دیگران علاقه داشتم؛ ولی هیچوقت از کارهای دیگران اقتباس نمی‌کردم. طرح یک مسجد را در دست داشتم که قرار بود در تهران اجرا شود و البته مکاتبی بارها تغییر کرد. با مشکل بودجه مواجه شدیم. «شریف امامی» گفت: «چرا ندارم. به شاه بگویید یک فانتوم کمتر بخرند و بدهند به این کار!»

دلیل اینکه به ایران برنگشتید چه بود؟

مشکل خاص من این بود که برایم مشکل تراشیدند. یک روز آمده بودند به دفتر من. گفته بودند فلانی کجاست؟ گفتند نیست. همکارم گفته بودند که شما با او چه کار دارید. او که آدم بدی نبود؟ این حرف‌ها باعث شد من هم ببازی نبینم. که در ایران بمانم و کار کنم. آشنایی زیادی با محیط فرانسه داشتم؛ بنابراین در این کشور ماندم.

جشنواره جمع و جور

حسن ریاحی
دبیر جشنواره

بیست‌وهشتمین جشنواره موسیقی فجر امسال کمی جمع‌وجورتر و با شرکت نکردنلد. درحالی‌که اگر برنامه‌ریزی درستی برای جشنواره موسیقی فجر صورت گیرد این جشنواره قابلیت دارد

به نظرم پرداختن رسناک به رسیقی آنکور ایران خیلی در موفقیتش نقش داشته است. آیا قرار است از این به بعد هم فعالیت‌های شما این جامعیت را در برگیرد یا ممکن است روی موسیقی نواحی خاصی بیشتر متمرکز شوید؟

به نظرم هرچقدر بیشتر وارد فرهنگ شیداری ایران شوید متوجه می‌شوید تا چه اندازه فضاهای شیداری زیبا و پتانسیل بالای موسیقایی در این مناطق وجود دارد. ما هر چقدر بیشتر وارد این فضاها شدیم بیشتر به این زیبایی پی بردیم. برای همین فکر می‌کنم این روند برای ما ادامه داشته باشد.

در آلبوم جدیدتان سراغ موسیقی کدام نواحی رفته‌اید؟

در آلبوم جدیدمان به نام «ترنای نوروز» ما شش قطعه داریم که مربوط می‌شود به منطقه بوشهر، استان فارس، موسیقی مازندران، موسیقی گرمانجی (شمال خراسان) و موسیقی قشقایی و قطعه آخر که تشکیل شده از شش‌ملودی مختلف از شش منطقه ایران با مضمون بهار.

در انتخاب موسیقی نواحی جدید هم مسیری مثل آلبوم «همه اقوام من» را طی کردید؟

بله، نحوه مواجهه ما با موسیقی‌های محلی به صورت‌های مختلفی است با دوستانی از همان منطقه یا رسناک همکاری می‌کنند یا به وسیله منابع موجود در آرشیو تحقیقاتی رسناک و آرشیوهای دیگر به دنبال سرنخ‌ها سوژه‌ها یا فضاهایی می‌گردیم که بتوانیم به نحوی از آنها استفاده کنیم. ما سعی کردیم از راه‌های مختلف به چیزی که می‌خواهیم نزدیک شویم. از بررسی نمونه‌های جمع‌آوری شده توسط اساتید موسیقی آن منطقه گرفته تا تحقیقات و بررسی میدانی ...

سازهای هر منطقه بر چه اساسی انتخاب می‌شوند؟ آیا بر مبنای تنظیم گروه رسناک یا با توجه به سازهای محلی؟

در تمام قطعات از ابتدا دو عنصر در موسیقی رسناک ثابت بوده است یکی کلام، یکی ملودی اصلی وقتی این دو عنصر ثابت هستند در کنار آن در تنظیم همیشه سعی کردیم یک یا دو المان‌سازی از آن منطقه را داشته باشیم. مثلا اگر قطعه آذری می‌نواریم، سعی می‌کنیم تنظیم به صورتی باشد که سازِ «شیشی» یا «قوپوز» در کنار «قلقالی آذری» حضور داشته باشند. بنابراین هرکدام از قطعاتی که اجرا شده به فراخور اینکه از چه منطقه‌ای بوده، سازهای کوبه‌ای و سازهای ملودیک خاصی در تنظیمش حضور داشتند.

استفاده از سازهای محلی هر منطقه به دلیل تداعی شدن سابقه شیداری موسیقی آن منطقه است یا به صورت نمادین از این سازها استفاده می‌کنید یا در مسیر موسیقی و تنظیم ضرورت حضور آن ساز را احساس می‌کنید؟

همه این مسایل وجود دارد. استفاده از سازهای محلی جنبه نمادین نیز دارد. البته فقط سعی نمی‌کنیم از جنبه بصری و نمادینش استفاده کنیم. بلکه سعی می‌کنیم با حد امکان ساز همان جایگاهی که در موسیقی محلی دارد را در موسیقی رسناک هم داشته باشید. به هر حال هر مخاطبی که تا یک حدی با موسیقی آشنایی دارد وقتی صدای «تنبور» را بشنود، متوجه می‌شود این ساز هم صدایش و هم حضورش موسیقی بلوچستان را تداعی می‌کند؛ بنابراین فکر می‌کنم این یک حضور دوسویه است.

در دوره‌ای که موسیقی نواحی نتوانسته از فرهنگ شیداری منطقه خود عبور کند، گروه موسیقی رسناک با متمرکز شدن روی موسیقی محلی به یک گروه شناخته شده موسیقی نواحی بدل شد. سادگی مستتر در موسیقی نواحی با تنظیمات خوب گروه رسناک توانست توجه قشرهای زیادی را به موسیقی محلی جلب کند. در روزهای شلوغ و پرکار قبل از انتشار آلبوم جدید گروه رسناک توانستیم دقایقی با سرپرست گروه سیامک سپهری به گفت‌وگو بنشینیم. البته بهانه گفت‌وگوی ما حضور گروه رسناک در جشنواره بود، اما صحبت‌مان بیشتر به سمت جزییات آلبوم «ترنای نوروز» رفت؛ از نوع سازبندی و تنظیمات جدید و پرداختن به موسیقی‌های نوروزی نواحی مختلف گرفته تا استفاده از سازهای محلی کمتر شناخته شده...

به نظرتان رسناک به موسیقی آنکور نواحی ایران خیلی در موفقیتش نقش داشته است. آیا قرار است از این به بعد هم فعالیت‌های شما این جامعیت را در برگیرد یا ممکن است روی موسیقی نواحی خاصی بیشتر متمرکز شوید؟

به نظرم هرچقدر بیشتر وارد فرهنگ شیداری ایران شوید متوجه می‌شوید تا چه اندازه فضاهای شیداری زیبا و پتانسیل بالای موسیقایی در این مناطق وجود دارد. ما هر چقدر بیشتر وارد این فضاها شدیم بیشتر به این زیبایی پی بردیم. برای همین فکر می‌کنم این روند برای ما ادامه داشته باشد.

در آلبوم جدیدتان سراغ موسیقی کدام نواحی رفته‌اید؟

در آلبوم جدیدمان به نام «ترنای نوروز» ما شش قطعه داریم که مربوط می‌شود به منطقه بوشهر، استان فارس، موسیقی مازندران، موسیقی گرمانجی (شمال خراسان) و موسیقی قشقایی و قطعه آخر که تشکیل شده از شش‌ملودی مختلف از شش منطقه ایران با مضمون بهار.

در انتخاب موسیقی نواحی جدید هم مسیری مثل آلبوم «همه اقوام من» را طی کردید؟

بله، نحوه مواجهه ما با موسیقی‌های محلی به صورت‌های مختلفی است با دوستانی از همان منطقه یا رسناک همکاری می‌کنند یا به وسیله منابع موجود در آرشیو تحقیقاتی رسناک و آرشیوهای دیگر به دنبال سرنخ‌ها سوژه‌ها یا فضاهایی می‌گردیم که بتوانیم به نحوی از آنها استفاده کنیم. ما سعی کردیم از راه‌های مختلف به چیزی که می‌خواهیم نزدیک شویم. از بررسی نمونه‌های جمع‌آوری شده توسط اساتید موسیقی آن منطقه گرفته تا تحقیقات و بررسی میدانی ...

سازهای هر منطقه بر چه اساسی انتخاب می‌شوند؟ آیا بر مبنای تنظیم گروه رسناک یا با توجه به سازهای محلی؟

در تمام قطعات از ابتدا دو عنصر در موسیقی رسناک ثابت بوده است یکی کلام، یکی ملودی اصلی وقتی این دو عنصر ثابت هستند در کنار آن در تنظیم همیشه سعی کردیم یک یا دو المان‌سازی از آن منطقه را داشته باشیم. مثلا اگر قطعه آذری می‌نواریم، سعی می‌کنیم تنظیم به صورتی باشد که سازِ «شیشی» یا «قوپوز» در کنار «قلقالی آذری» حضور داشته باشند. بنابراین هرکدام از قطعاتی که اجرا شده به فراخور اینکه از چه منطقه‌ای بوده، سازهای کوبه‌ای و سازهای ملودیک خاصی در تنظیمش حضور داشتند.

استفاده از سازهای محلی هر منطقه به دلیل تداعی شدن سابقه شیداری موسیقی آن منطقه است یا به صورت نمادین از این سازها استفاده می‌کنید یا در مسیر موسیقی و تنظیم ضرورت حضور آن ساز را احساس می‌کنید؟

همه این مسایل وجود دارد. استفاده از سازهای محلی جنبه نمادین نیز دارد. البته فقط سعی نمی‌کنیم از جنبه بصری و نمادینش استفاده کنیم. بلکه سعی می‌کنیم با حد امکان ساز همان جایگاهی که در موسیقی محلی دارد را در موسیقی رسناک هم داشته باشید. به هر حال هر مخاطبی که تا یک حدی با موسیقی آشنایی دارد وقتی صدای «تنبور» را بشنود، متوجه می‌شود این ساز هم صدایش و هم حضورش موسیقی بلوچستان را تداعی می‌کند؛ بنابراین فکر می‌کنم این یک حضور دوسویه است.

به نظرتان سرزندگی مستتر در موسیقی نواحی و فولکلور نسبت به موسیقی سنتی چقدر در ارتباط‌تان با مخاطبان نقش داشته؟ و در انتخاب قطعات چه اندازه به شاه بودن آنها توجه دارید؟

اصلی‌ترین جایگاه موسیقی در فرهنگ‌های بومی مختلف، جایگاه کاربردی و آیینی آن است. به‌عنوان مثال استفاده از موسیقی در هنگام کار، برای رسیدن به‌این استفاده ملموس به زبانی نیاز داریم که با حداقل واسطه با مخاطبان خود ارتباط برقرار کند و این ویژگی را علاوه بر مرحلهٔ در شکل‌گیری آن حفظ کند. موسیقی فولکلور همیشه سعی می‌کند به عرایض‌ترین و ساده‌ترین شکل، مخاطب را به حس مورد‌نظر- مثلا شادی- برساند و مخاطب هم به راحتی و از هر منظر (شادی، غم، تعالی) با این موسیقی ارتباط برقرار می‌کند.

در موسیقی فولکلور کلیت زندگی را همه سخن‌ها و زیبایی‌هایش به شکل می‌برد و عیانی وجود دارد. برای همین وقتی شما به موسیقی فولکلور در حوزه غم هم می‌پردازید

عکس: سعید عبدالهی

آن کار می‌کنند. من و دیگر اعضایی که به عنوان همخوان فقط در بخش‌هایی فرزاد و بهزاد مرادی را همراهی می‌کردیم، متوجه سختی همان چند بند کوتاه می‌شدیم و اینکه چقدر بچه‌ها سخت تلاش کردند تا به این لبچه‌ها نزدیک شوند و از عهده‌اش بربیایند. علاوه بر اجرای بخش‌های آوازی قطعات، نوازندگی سازهای کوبه‌ای و مضرابی محلی هر منطقه را هم بر عهده دارند.

آیا در این آلبوم هم اساتید موسیقی نواحی حضور دارند؟

بله، در قطعه اول آقای محسن شریفیان در اجرای آن حضور دارند. در قطعه «ترنای نوروز» استادان خوب کشور در کنار اعضای گروه قرار گرفتند، مثلا آقای آشیق ایمران حیدری و وحید اسدآبی در قطعه آذری در کنارمان بودند. همین‌طور آقای داود بامری پسر مرحوم استاد ماماالله بامری در موسیقی بلوچستان و استاد بیژن کامکار در قسمت پایانی قطعه «ترنای نوروز» که از موسیقی کردی الهام گرفته شده، حضور داشتند.

به نظرم هرچقدر بیشتر وارد فرهنگ شیداری ایران شوید، متوجه می‌شوید تا چه اندازه فضاهای شیداری زیبا و پتانسیل بالای موسیقایی در این مناطق وجود دارد. ما هر چقدر بیشتر وارد این فضاها شدیم بیشتر به این زیبایی پی بردیم. برای همین فکر می‌کنم این روند برای ما ادامه داشته باشد

«رستاک» پلی میان اقوام ایرانی است

گفت‌وگو با سیامک سپهری سرپرست گروه موسیقی «رستاک»

مرجان صانیی

بیست‌وهشتمین جشنواره موسیقی فجر امسال کمی جمع‌وجورتر و با شرکت نکردنلد. درحالی‌که اگر برنامه‌ریزی درستی برای جشنواره موسیقی فجر صورت گیرد این جشنواره قابلیت دارد منشأ اتفاق‌های موسیقی‌ای خیلی مهمی در کشور شود و این میسر نمی‌شود مگر با دعوت از هنرمندان طراز اول ایران و جهان و باز هم این کار میسر نخواهد بود مگر با اختصاص دادن هزینه و بودجه کافی به جشنواره که بتواند هنرمندان خوب را از همه دنیا دعوت کند چون خودبه‌خود حضور افراد مشهور و برشناس به اعتبار جشنواره می‌افزاید. به نظر من شاید یکی از نکات مثبت جشنواره امسال دبیری جناب دکتر «ریاحی» چهره خوشنام و سرشناس موسیقی است که آن تعدادی هم که شرکت کرده‌اند به دلیل وجود ایشان بوده است، زیرا جای او این: گمان من این است که برخی مایلند کم‌کم شیله جشنواره را پایین بکشند و تاثیر آن را بر سال کمرنگ‌تر کنند تا اینکه جشنواره به شکل کوچکی دربیاید یا محو شود. البته من دلیل این نوع نگاه آنها را به موسیقی نمی‌فهمم. وقتی به پیشینه موسیقی در کشورمان نگاه کنیم، می‌بینیم سرودهایی که در اول انقلاب ساخته شد، تاثیر زیادی روی مردم گذاشت و مردم را برای شرکت در تظاهرات علاقه‌مند کرد. توسط هنرمندانی تولید می‌شد که در کانون «جلوش» گرد آمده بودند (که امروز مکتب خانه میرزاعبدالله شد) و سرودهای زیادی ساختند که وقادری خود به امام خمینی و انقلاب را در آنها بارها تکرار کردند و حتی در پاره‌ای از آنها با لقب (خورشید تابان) از امام خمینی یاد کردند و اینها با همین سازهایی ساخته شد که الان هم استفاده می‌شود برای هامین تعجب می‌کنم چرا در جشنواره فجر با موسیقی این گونه برخورد می‌شود و بودجه آن را که نسبت به سال پیشین کمتر می‌شود به اعتقاد من بی‌توجهی و کم‌کردن تاثیر جشنواره موسیقی فجر برای این است که می‌خواهند جشنواره را کمرنگ و کم‌کم از آن برنامه‌های دهه فجر حذف کنند. اگر به جشنواره‌های موسیقی که تاکنون برگزار شده است، نگاهی بیندازیم، می‌بینیم در برخی از دوره‌ها هنرمندان خوبی دعوت شده بودند که باعث می‌شد سال‌ها پر شوند. با این‌همه وقتی بودجه کم باشد طبیعتا نمی‌توان از هنرمندان طراز اول دعوت کرد تا در جشنواره شرکت

کنند و به همین دلیل جشنواره اعتبار همیشگی خود را از دست خواهد داد. اگر می‌خواهیم یک جشنواره ساده را به یک اتفاق خوبی تبدیل کنیم، شرکت سرشناس‌ترین هنرمندان ایران و جهان در آن رویداد است که باعث می‌شود سال‌ها پر شود و یک تاثیر فرهنگی درخشانی ایجاد کند اما باز هم تاکید می‌کنم اینها میسر نمی‌شود مگر داشتن بودجه و اعتبار. بخش زیادی از شرکت نکردن افراد سرشناس در جشنواره نیز به خاطر فشارهای اقتصادی و همیشگی که در این چند سال اخیر به مردم وارد شده است و وظیفه هنرمند نیز بیان شادی‌ها و غم‌ها و زندگی مردم است. این فشارها در وهله اول بیشترین ضربه را متحمل فرهنگ و هنر کرد چون اولین کالاهایی که از سبد خانواده حذف می‌شود، کالای فرهنگی و هنری هستند مثل نرفتن به کنسرت‌ها، تحریض آلبوم‌های موسیقی یا ثبت‌نام نکردن در کلاس‌های موسیقی. بنابراین وقتی مردم دچار فشار اقتصادی هستند کمتر به هنر می‌پردازند. هنرمندان هم خود را جدا از مردم نمی‌دانند و انگیزه‌ای برای شرکت در جشنواره نمی‌بینند که همین موضوع از کیفیت جشنواره به حد زیادی می‌کاهد. مسأله دیگر در جشنواره‌ها حضور خارجی‌ها است. در هر جشنواره‌ای خارجی‌ها در هر جشنواره‌ای حضور دارند و رقابتی با جنبی شرکت می‌کنند و امکاناتی از قبیل جایزه نقدی و حمایت در برگزاری کنسرت را به آنها نقل می‌کیرد اما همان‌طور که گفتم حضور چهره‌های سرشناس است که به یک جشنواره اعتبار می‌دهد و الان چند سالی است که این مساله در جشنواره کمرنگ شده که مهم‌ترین دلیل آن کمبود بودجه و بسیاری مسایل دیگر است.

سخن دبیر

بیست‌وهشتمین جشنواره موسیقی فجر امسال کمی جمع‌وجورتر و با دلیل آن سماله کمبود بودجه است. با همه اینها برنامه‌های درسنی برای جشنواره موسیقی فجر صورت گیرد این جشنواره قابلیت دارد

به نظرم پرداختن رسناک به رسیقی آنکور ایران خیلی در موفقیتش نقش داشته است. آیا قرار است از این به بعد هم فعالیت‌های شما این جامعیت را در برگیرد یا ممکن است روی موسیقی نواحی خاصی بیشتر متمرکز شوید؟

به نظرم هرچقدر بیشتر وارد فرهنگ شیداری ایران شوید متوجه می‌شوید تا چه اندازه فضاهای شیداری زیبا و پتانسیل بالای موسیقایی در این مناطق وجود دارد. ما هر چقدر بیشتر وارد این فضاها شدیم بیشتر به این زیبایی پی بردیم. برای همین فکر می‌کنم این روند برای ما ادامه داشته باشد

در آلبوم جدیدتان سراغ موسیقی کدام نواحی رفته‌اید؟

در آلبوم جدیدمان به نام «ترنای نوروز» ما شش قطعه داریم که مربوط می‌شود به منطقه بوشهر، استان فارس، موسیقی مازندران، موسیقی گرمانجی (شمال خراسان) و موسیقی قشقایی و قطعه آخر که تشکیل شده از شش‌ملودی مختلف از شش منطقه ایران با مضمون بهار.

در انتخاب موسیقی نواحی جدید هم مسیری مثل آلبوم «همه اقوام من» را طی کردید؟

بله، نحوه مواجهه ما با موسیقی‌های محلی به صورت‌های مختلفی است با دوستانی از همان منطقه یا رسناک همکاری می‌کنند یا به وسیله منابع موجود در آرشیو تحقیقاتی رسناک و آرشیوهای دیگر به دنبال سرنخ‌ها سوژه‌ها یا فضاهایی می‌گردیم که بتوانیم به نحوی از آنها استفاده کنیم. ما سعی کردیم از راه‌های مختلف به چیزی که می‌خواهیم نزدیک شویم. از بررسی نمونه‌های جمع‌آوری شده توسط اساتید موسیقی آن منطقه گرفته تا تحقیقات و بررسی میدانی ...

سازهای هر منطقه بر چه اساسی انتخاب می‌شوند؟ آیا بر مبنای تنظیم گروه رسناک یا با توجه به سازهای محلی؟

در تمام قطعات از ابتدا دو عنصر در موسیقی رسناک ثابت بوده است یکی کلام، یکی ملودی اصلی وقتی این دو عنصر ثابت هستند در کنار آن در تنظیم همیشه سعی کردیم یک یا دو المان‌سازی از آن منطقه را داشته باشیم. مثلا اگر قطعه آذری می‌نواریم، سعی می‌کنیم تنظیم به صورتی باشد که سازِ «شیشی» یا «قوپوز» در کنار «قلقالی آذری» حضور داشته باشند. بنابراین هرکدام از قطعاتی که اجرا شده به فراخور اینکه از چه منطقه‌ای بوده، سازهای کوبه‌ای و سازهای ملودیک خاصی در تنظیمش حضور داشتند.

استفاده از سازهای محلی هر منطقه به دلیل تداعی شدن سابقه شیداری موسیقی آن منطقه است یا به صورت نمادین از این سازها استفاده می‌کنید یا در مسیر موسیقی و تنظیم ضرورت حضور آن ساز را احساس می‌کنید؟

همه این مسایل وجود دارد. استفاده از سازهای محلی جنبه نمادین نیز دارد. البته فقط سعی نمی‌کنیم از جنبه بصری و نمادینش استفاده کنیم. بلکه سعی می‌کنیم با حد امکان ساز همان جایگاهی که در موسیقی محلی دارد را در موسیقی رسناک هم داشته باشید. به هر حال هر مخاطبی که تا یک حدی با موسیقی آشنایی دارد وقتی صدای «تنبور» را بشنود، متوجه می‌شود این ساز هم صدایش و هم حضورش موسیقی بلوچستان را تداعی می‌کند؛ بنابراین فکر می‌کنم این یک حضور دوسویه است.

به نظرتان سرزندگی مستتر در موسیقی نواحی و فولکلور نسبت به موسیقی سنتی چقدر در ارتباط‌تان با مخاطبان نقش داشته؟ و در انتخاب قطعات چه اندازه به شاه بودن آنها توجه دارید؟

اصلی‌ترین جایگاه موسیقی در فرهنگ‌های بومی مختلف، جایگاه کاربردی و آیینی آن است. به‌عنوان مثال استفاده از موسیقی در هنگام کار، برای رسیدن به‌این استفاده ملموس به زبانی نیاز داریم که با حداقل واسطه با مخاطبان خود ارتباط برقرار کند و این ویژگی را علاوه بر مرحلهٔ در شکل‌گیری آن حفظ کند. موسیقی فولکلور همیشه سعی می‌کند به عرایض‌ترین و ساده‌ترین شکل، مخاطب را به حس مورد‌نظر- مثلا شادی- برساند و مخاطب هم به راحتی و از هر منظر (شادی، غم، تعالی) با این موسیقی ارتباط برقرار می‌کند.

در موسیقی فولکلور کلیت زندگی با همه سخن‌ها و زیبایی‌هایش به شکل می‌برد و عیانی وجود دارد. برای همین وقتی شما به موسیقی فولکلور در حوزه غم هم می‌پردازید

عکس: سعید عبدالهی

آن شیوه را ادامه ندادید؟

از ابتدا نیز هدفم همین سبکی بود که از آلبوم دوم به بعد شروع شد و این جنس موسیقی و ترانه را دوست داشتم منتها به واسطه اینکه ارادت خاصی به حضرت مولانا دارم، دوست داشتم حتما کاری در این زمینه انجام دهم و چون قبلا چند بار مضمون کار کرده بودم، در آلبوم آلبوم به سراغ این شیوه رفتم و از انعکاس حضرت مولانا استفاده کردم.

تدریسید به مخاطبی که در اولین آلبوم‌تان جذب می‌کنید. آیا تجربه در ذهن‌تان است متفاوت باشد؟

آن موقع درگیر مخاطب نبودم البته این به آن معنا نیست که به مخاطب احترام نمی‌گذارم. هنرمند با مخاطب خود زنده است ولی اگر بخواهم از مخاطبم خودنمایی کنم یا اینکه بیتم به موسیقی طرفدار بیشتری دارد تا سریع‌تر محبوب شوم و بیشتر بفروشم، مانند فوارهای عمل کردم‌اگر کرد ولا بود و به همان نسبت زود هم پایین می‌آید.

در ارایه کارهایتان دوست‌تان به چه مساله‌ای اهمیت می‌دهید؟

ترانه، تنظیم و ملودی خوب. همچنین نوع گویش و آنچه خوانده را با خوانندهای دیگر متفاوت کند. الان قضایی برای خودم دارم که به خودم تعلق دارد، مهر و امضای آن‌هم به خودم مربوط است و جوری که در مجالس بسیاری که ترانه‌ایران آلژمان را می‌خوانند، دیگران می‌گویند این ترانه برای موسیقی رادیو یا فرهنگی مناسب است. همین موضوع نشان می‌دهد جایی برای خودم باز کردم‌ام.

در کارهایتان چقدر از سلیقه خودتان و مشورت دیگران استفاده کردید؟

ترانه‌ها کاملا سلیقه خودم است. در تنظیم هم مثلا همه قطعات آلبوم «همیس» کار خودم بود اما در آلبوم‌های دیگر با دوستی که تنظیم کننده کارهایم بودند مثل بهروز بایگان، میلاد عدل، آرش رامان و کیان همایونفر کار و رشته‌های گفتگو بیما کرده‌ام. من را تنظیم کرده است. همفکری و کار مشترک انجام داده‌ام. وقتی ترانه را انتخاب می‌کنیم و ملودی‌ها را می‌سازم، با دوستان در مورد چگونگی تنظیم بحث می‌کنیم؛ وقتی به نقطه مشترکی رسیدیم، کار را شروع می‌کنیم. خیلی وقت‌ها بوده که کل یک تنظیم را از بین برده‌ایم و دوباره کار را شروع کرده‌ایم.

در هر کار جدید چقدر به این فکر می‌کنید که متاحص من ایرانی باشرفی در اثر وجود داشته باشد؟

حتما به این موضوع فکر می‌کنم حتی در موسیقی که رگه‌های راک، پاپ و بلد راک دارد. هامیشه سعی کردهام ایرانیزه شود و از گلهای مینور و شرقی استفاده کردهام تا برای شنونده ایرانی قابل درک و فهم شود. خودم هم این جنس گام و موسیقی شرقی را دوست دارم.

کار جوانی‌ها را که در سال‌های اخیر وارد موسیقی شده‌اند، شنیده‌اید؟

من موسیقی غربی گوش می‌دهم. البته برای اینکه از فضای موسیقی دور نیانیم که هنگامان را یکبار در جلسه گوش می‌دهیم. مساله این است که جنس موسیقی‌ای که دوست دارم از جنس آلژی که تولید می‌شود، نیست.

موزیک‌هایمان دیده شود.

برای مخاطب دوست‌تان چقدر اهمیت دارد؟

جذابیت داشت. مثلا تنها چیزی که از فیلم «تهران طهران» ماندگار شد همان قطعات موسیقی بود. نمی‌خواهم خودم را بزرگ کنم اما اتفاقی بود که افتاد و هنوز برقرارفاز زن کارم در کنسرت‌هایم است. مردم از رو دوست دارند. کلیپی که در سکلس آخر آن فیلم ساخته شد، همچنان دانلود می‌شود در شبکه‌های اجتماعی و تلفن‌های همراه و خودتان‌ها با کلیپ‌هایشان معروف می‌شوند. اینجا مساله‌اش به رکس است.

مگر شرایط چگونه است؟

اول باید مجوز آلبوم بگیرید و بعد از انتشار از طریق مطبوعات موسیقی خودتان را به جامعه معرفی کنید که البته تنها مطبوعات برای معرفی آلبوم‌ها کافی نیستند. الان تیراژ آلبوم‌های اولی که اولین کار یک خواننده هستند، گاهی به پنجهزار نسخه هم نمی‌رسد.

لوح تیرازی که بخواهد فروش برود، چقدر است؟

به دلیل نبود فرهنگ موسیقی که آثار بدون رعایت حق کپی، در فضای مجازی و اینترنت دانلود می‌شوند. فروش آثار کم است. مثلا آلبوم «ساعت فراموشی» ساعت ۸ صبح از کارخانه بیرون آمده بود و ساعت ۹:۲۰ دقیقه صبح در فضای مجازی قرار گرفت که انتقال وحشتناکی است. با این اوصاف آلبوم جدید من ۲۰۰هزار نسخه تیراژ دارد.

در آلبوم اول‌تان ترکیبی از دف و گیتار داشتید اما بعد از آن مسیر موسیقی‌تان متفاوت شد. بیشتر سراغ دستهای اجتماعی و سبک‌های دیگر موسیقی رفتید. چطور شد دیگر

عکس: آیدین رضا شرق

حرف‌های پی‌مخاطب

گفت‌وگو با رضا یزدانی، به مناسبت اولین حضورش در جشنواره

جایی برای دیده شدن نداریم

سحر آزاد

«رضا یزدانی» امسال برای اولین‌بار در بیست‌وهشتمین جشنواره موسیقی فجر در بخش پاپ و با ارایه ۱۶ قطعه حضور دارد که سه قطعه آن از آخرین آلبومی است که پایان بهمن روانه بازار می‌شود. می‌گوید که اگر در دوره‌های قبل در جشنواره حضور نداشته به دلیل این بوده که دوست نشده بود وگرنه هر جشنواره‌ای که برای موسیقی این سرزمین برگزار شود، مثبت است. به هامین سبب موسیقی که در این جشنواره ارایه می‌دهد موسیقی صحبت کنیم هرچند که صحبت به سینما و وضعیت تولید و نشر آثار موسیقی هم کشیده شد.

با چه آثاری در بیست و هشتمین جشنواره موسیقی فجر حضور دارید و اثر جدیدی هم در جشنواره ارایه می‌دهید؟

اولین‌بار است که برای حضور در جشنواره موسیقی فجر دعوت شده‌ام که سه کار جدید از آلبوم که آخر بهمن منتشر می‌شود در جشنواره اجرا می‌کنم.

نام آلبومی که قرار است پایان بهمن منتشر کنید، چیست؟

«خاطرات مبهم» نام دارد که چهار ترانه متعلق به اندیشه فولادوند. دو ترانه از احسان گودرزی و چهار ترانه باقی‌مانده از قیصر امین‌پور، علیرضا میاران، علی کمرانی‌زاده و حسن علی شیری هستند. کار همایون‌فر نیز آهنگسازی و تن